



## جلوه‌هایی از آموزه‌های اخلاقی در ادب نامه نزاری قهستانی

ملیحه زندوکیلی<sup>۱</sup>

دکتر حمید طبسی<sup>۲</sup>

### چکیده

در هر جامعه‌ای اخلاق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بررسی آموزه‌های اخلاقی متون مختلف می‌تواند شناختی ژرف و آگاهی نسبتاً کاملی از منابع مورد مطالعه به دست دهد. بویژه که در ایران بعد از اسلام با توجه به رویکرد اخلاقی - عرفانی ادبیات فارسی، در شعر اغلب شاعران، آموزه‌های اخلاقی بسامد قابل توجهی دارند. هرچند ادب نامه سعدالدین بن شمس الدین نزاری قهستانی، یکی از برجسته‌ترین شاعران فارسی زبان سده های هفتم و هشتم هجری قمری، در بیان چگونگی رفتار وزیران و منشیان و دیگر درباریان در برابر شاه است، ولی در جای جای این اثر می‌توان توصیه‌های اخلاقی را به نظاره نشست. او مانند برخی شعرای اندرزگوی دیگر - نظیر سعدی سالخورده همعصر و همروزگار خویش - سعی کرده است اهل زمان و بویژه اهل سیاست را پند و اندرز دهد و مخاطبان اشعارش را از تجربیات زندگی ساز و اخلاقی خویش بی‌بهره نگذارد. در این نوشتار سعی داریم با برشمردن و بررسی نمونه‌ای چند از آموزه‌های اخلاقی مندرج در منظومه ادب نامه، گستره کاربردی این نوع ادبی را در اثر مزبور نشان دهیم.

### کلیدواژه: دین، اخلاق، نزاری قهستانی، ادب نامه، ادبیات کهن.

#### ۱ - مقدمه :

اخلاق علم چگونه زیستن است که بر مبنای قواعد آن، رفتار انسان برای نیل به کمال و سعادت توجیه می‌گردد و نیک و بد، خیر و شر و بایدها و نبایدها شناخته می‌شود و وظایف فردی و اجتماعی انسان متعهد و مسئول معرفی و افعالی که از روی اختیار و آزادی از آدمی صادر می‌گردد در این علم معین می‌گردد.

بدون تردید لازمه این تخلّق و آراستگی، نخست تشخیص خوب از بد و خیر از شر و سعادت از شقاوت، روشنایی از تاریکی و تمییز مکارم از رذائل اخلاقی یا خویشتن شناسی است، که: « مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ »؛ و سپس پرهیز از سیئات و دوری از ناشایست ها و عمل به نیکی ها و شایست ها و تزکیه روح و تصفیه روان است. خُلق نیکو وسیله ارتقاء و دست یابی انسان به کامیابی و موفقیتی است که شایسته مقام خلیفه الهی و سعادت او در دنیا و آخرت می باشد (رزمجو، ۱۳۶۶: ۲۷ - ۲۹)

۱. مربی دانشگاه پیام نور مرکز گلباف

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت



و در رسانیدن آدمی به سرمنزل مقصود نقش بسزایی دارد. بیهوده نیست که بزرگانی نظیر خواجه نصیرالدین طوسی، ابن مسکویه و دیگران اهتمام ویژه ای به مقوله های اخلاقی داشته اند.

با توجه به مضمون یکی از آیات قرآن کریم مبنی بر مقدم بودن تزکیه بر تعلیم، انسان تا زمانی که از لحاظ روحی و فکری پاک و پیراسته نشود درخت علم در وجود او به درستی ثمر نمی دهد و این پیراستگی حاصل نمی شود مگر با آراسته شدن به گوهر دین و اخلاق؛ یعنی برای رسیدن به این پیراستگی، نیاز به الگوهای اخلاقی از جمله کتاب های دینی چون قرآن کریم و نهج البلاغه امام علی (ع) داریم که بدون تردید می توان گفت عظیم ترین و سودمندترین کتب اخلاقی به شمار می آیند. ادب نامه نزاری قهستانی نیز از این منظر یک اثر ادبی و اخلاقی به شمار می آید که به طور قابل ملاحظه ای متأثر از قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم (ص) و نهج البلاغه امام علی (ع) است.

## ۲ - نزاری قهستانی و ادب نامه :

سعدالدین بن شمس الدین نزاری قهستانی ( ۷۲۰ - ۶۴۵ هـ. ق )، یکی از برجسته ترین شاعران فارسی زبان سده های هفتم و هشتم هجری قمری است و جایگاه او در شعر فارسی چنان است که عبدالرحمن جامی طبع شاعری حافظ را نزدیک به طبع شاعری وی دانسته <sup>(۱)</sup> و یان ریپکا ( Ian Ripka )، خاورشناس نامدار چک، نزاری را وارث بلاواسطه خیام شمرده است و همین نظرات برای شناخت جایگاه و پایگاه بلند نزاری در زمینه شعر و شاعری کافی و بسنده است. در خصوص وجه تسمیه او به نزاری اقوال مختلفی هست <sup>(۲)</sup> ( نک . براون ، ۱۳۳۹ :

۱۹۸ - ۲۰۰ ). که بحث پیرامون آن از حوصله این مقال خارج است و در این مختصر نمی گنجد. یکی از آثار این سراینده پارسی، منظومه ادب نامه در بیان چگونگی رفتار وزیران و منشیان و دیگر درباریان در برابر شاه است و از سخنان نصیحت آمیز و مصلحت گرایانه همراه با نقل حکایاتی از برمکیان و حکایات دیگر که جنبه اجتماعی و اخلاقی دارد، برخوردار می باشد ( نزاری قهستانی ، ۱۳۹۲ : ۹ - ۱۰ ). و این مطلب مندرج در تذکره الشعراء که «از حقیقت سخنان او معلوم می شود که مرد حکیم و صاحب تحقیق بوده و بدو اعتقاد بد، بهتان است» (سمرقندی ، ۱۳۸۲ : ۲۳۳ ) بخوبی حکایتگر مراتب کمال فکری و اخلاقی این شاعر پرآوازه خراسان جنوبی تواند بود .

## ۳ - آموزه های اخلاقی مشترک در ادب نامه و کتاب های دینی :

اینک به بررسی و یادکرد آموزه های اخلاقی در ادب نامه نزاری قهستانی که به تعبیر دولتشاه « لطیف طبع و حکیم شیوه » ( همان مأخذ : ۲۳۱ ) بوده است می پردازیم و بدین منظور ابتدا به ذکر شاهد مثالی از آیات قرآنی و نهج البلاغه امام علی (ع) یا دیگر کتاب های دینی اکتفا نموده و پس از آن به ذکر تشابهات و اشتراکات موجود در ادب نامه و آثار مزبور خواهیم پرداخت . شایان ذکر است که تعداد آموزه های اخلاقی و شواهد امثال آن ها ، چه در ادب نامه نزاری قهستانی و چه در کتاب های دینی، بیش از مقداری است که ذکر شده و تنها به منظور پرهیز از اطناب به ذکر چند مورد بسنده کرده ایم.

### ۳ - ۲ - اطاعت و فرمانبرداری از خداوند :

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ( انفال / آیه ۴۶ ) :

و همه با روح وحدت ایمانی پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نیویید در اثر تفرقه عظمت شما نابود خواهد شد پایدار و صبور باشید که خدا همیشه با صابران است .

حضرت علی (ع) می فرماید : اطاعت خدا را راه ورود به آب حیات، شفیع گرفتن خواسته ها ، پناهگاه روز اضطراب ، چراغ روشنگر قبرها ، آرامش وحشت های طولانی دوران برزخ ، و راه نجات لحظات سخت زندگی قرار دهید ، زیرا اطاعت خدا ،



وسیله نگهدارنده از حوادث هلاک کننده و جایگاه های وحشتناک که انتظار آن را می کشید و حرارت آتش های برافروخته است ( نهج البلاغه ، ۱۳۸۹ : ۲۹۵ ).

خردمند باید که فرمان برد  
 که تا از سرای دویم برخورد  
 ز دنیا و عقبی به حق برخورد  
 کسی کو ز فرمان او نگذرد  
 ( نزاری قهستانی ، ۱۳۹۲ : ۱۱۶ )

جز او را مبین چون جز او نیست کس  
 بدو در گریز ، از همه اوت بس  
 ز خود چند گویی نزاری سخن  
 سبک شد دماغت گرانی مکن  
 چه گویند در واحد ذوالجلال  
 برون است وحدت ز وهم و خیال  
 ( همان : ۱۹ - ۲۰ )

۳ - ۲ - ارزش هنر و دانش اندوزی :

إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْكَرِيمُ . أَلَدَىٰ عَلَّمَ بِالْقَلَمِ . عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ( علق / آیات ۳-۵ ) :

بخوان قرآن پروردگار تو که کریمترین کریمان عالم است . آن که نوشتن به قلم آموخت و به آدم آنچه نمی دانست به الهام خود تعلیم داد.

حضرت علی (ع) می فرماید : ثروت اندوزان بی تقوا مرده اند ، گرچه به ظاهر زنده اند ، اما دانشمندان تا دنیا برقرار است زنده اند ، بدن هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دل ها همیشه زنده است ( نهج البلاغه ، همان : ۴۷۱ ) .

نبرد از هنر بهره کس بی خرد  
 خردمند باشد هنر پرورد  
 خرد از هنر نیز پیدا شود  
 خردمند را از هنر جا شود  
 ( نزاری قهستانی ، همان : ۷۱ )

به عیش خوش آنکه توانی گذاشت  
 که بر خود خرد برتوانی گماشت  
 ( همان : ۶۸ )

۳ - ۳ - اعتقاد به قضا و قدر الهی :

فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَ أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ( مؤمن / آیه ۴۴ ) :

به زودی گفتارم را هنگام پاداش عمل متذکر می شوید و من کار خود را به خدا وا می گذارم که او بر احوال بندگان کاملاً آگاه است.

حضرت علی (ع) می فرماید : کارها چنان در سیطره تقدیر است که چاره اندیشی به مرگ می انجامد ( نهج البلاغه ، همان : ۴۵۵ ) .

بکوش ، ار شود کار مشکور باش  
 و گر نه به تقدیر معذور باش  
 ( نزاری قهستانی ، همان : ۵۷ )

۳ - ۴ - اعتقاد به معاد :



يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (آیات ۶- ۸) :

در آن روز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا اعمال خود را ببینند پس هر کس به قدر ذره ای کار نیک کرده باشد آن را خواهد دید و هر کس به قدر ذره ای کار زشتی مرتکب شده به کیفرش خواهد رسید.

حضرت علی (ع) می فرماید: دنیا برای رسیدن به آخرت آفریده شد، نه برای رسیدن به خود (نهج البلاغه، همان: ۵۲۹)

بین تجربت ها که برداشتی از اینجا چه بُردی، چه بگذاشتی

(نزاری قهستانی، همان: ۲۵)

بترس از عقوبت که وقتی بدست  
خصوصاً که مجرم نیاید به دست  
در آن دم مباش ایمن از قهر خشم  
که بر تو بریزد ملک زهر خشم

(همان: ۶۰)

۳- ۵ - اعتماد به لطف خدا:

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا:

و تو بر خدای زنده ابدی که هرگز نمیرد توکل کن و به ستایش ذات او، وی را تسبیح و تنزیه گو و هم او که به گناه بندگانش کاملاً آگاه است، کفایت است (فرقان / آیه ۵۸).

حضرت علی (ع) می فرماید: به یقین بدانید خداوند برای بنده خود بیش از آنچه که در علم الهی وعده فرمود، قرار نخواهد داد و میان بنده، هر چند ناتوان و کم سیاست باشد و آنچه در علم خداوند برای او رقم زده حایلی نخواهد گذاشت. هر کس این حقیقت را بشناسد و به کار گیرد، از همه مردم آسوده تر است و سود بیشتری خواهد برد. و آن که آن را واگذارد و در آن شک کند، از همه مردم گرفتارتر و زیانکارتر است چه بسا نعمت داده شده ای که گرفتار عذاب شود و بسا گرفتاری که در گرفتاری ساخته شده و آزمایش گردد، پس ای کسی که از این گفتار بهره مند می شوی، بر شکرگزاری بیفزای و از شتاب بی جا دست بردار، و به روزی رسیده قناعت کن.

(نهج البلاغه، همان: ۴۹۷)

|                          |                               |            |                |
|--------------------------|-------------------------------|------------|----------------|
| که بگذاردم               | گر تو بنوازیم؟                | که برداردم | گر تو بندازیم؟ |
| قبول تو پس رد مکن دعوتم  | چراغی برافروز                 | در خلوتم   |                |
| طمع منقطع کردم از کاینات | به فضل تو دارم امید نجات      |            |                |
| بر امید مرهم جگر خسته ام | به روی از همه خلق در بسته ام  |            |                |
| در بسته نگشاید الا تو کس | مرا چون تو هستی ز تو هم تو بس |            |                |
| به دست تضرع به بوی نوید  | درت می زنم تا برآید امید      |            |                |

(نزاری قهستانی، همان: ۱۱۳)

۳- ۶ - اغتنام فرصت:



وَ هُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا يُتَذَكَّرُ فِيهِ مِنْ تَذَكَّرٍ وَ جَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا  
 فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (فاطر / آیه ۳۷) :

و آن کفار ناله کنند که ای پروردگار ما را از این عذاب بیرون آور تا به اعمال نیک پردازیم . آیا شما را عمری مهلت ندادیم  
 و رسولان بر شما نفرستادیم تا هر که قابل تذکر و پند شنیدن است متذکر شود پس امروز عذاب دوزخ را بچشید که ستمکاران را  
 هیچ یار و نجات دهنده نخواهد بود.

حضرت علی (ع) می فرماید : از دست دادن فرصت ها باعث اندوه می شود ( نهج البلاغه ، همان : ۴۵۶ ).

به ساحل نشستن غنیمت شمار چو در بحر رفتی به طوفان سپار

( نزاری کههستانی ، همان : ۵۲ )

۳ - ۷ - بی ارزشی دنیا و دل نبستن به آن :

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ، فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ (فاطر / آیه ۵) :

ای مردم البته وعده خدا حق است پس مبادا که زندگانی دنیای شما را مغرور سازد و سرگرم عیسان شوید و شیطان فریبده  
 از قهر و انتقام حق به عفو خدا مغرورتان گرداند.

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه در برخورد با دنیا می فرماید : آگاه باشید دنیا خانه ای است که کسی در آن ایمنی ندارد جز  
 آنکه به جمع آوری توشه آخرت پردازد و از کارهای دنیایی کسی نجات نمی یابد . مردم به وسیله دنیا آزمایش می شوند پس هر  
 چیزی از دنیا را که برای دنیا بدست آورند از کفشان بیرون می رود و بر آن محاسبه خواهند شد و آنچه را که در دنیا برای آخرت  
 تهیه کرده اند به آن خواهند رسید با آن خواهند ماند ( نهج البلاغه ، همان : ۷۹ ) .

جهان ای پسر تجربت خانه ای است به هر هفته ای جای بیگانه ای است

( نزاری کههستانی ، همان : ۲۵ )

و در جای دیگر در رابطه با نكوهش مال دنیا می سرايد :

عزیز جهان است از آن شهریار که در چشم او زر چو خاک است خوار

( همان ، ۹۷ )

۳ - ۸ - تواضع و فروتنی :

وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ( فرقان / آیه ۶۳) :

بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین ره به تواضع روند و هرگاه مردم جاهل به آن ها خطاب کنند با  
 سلامت نفس جواب دهند.

حضرت علی (ع) می فرماید : تاج تواضع و فروتنی را بر سر نهید ، و تکبر و خودپسندی را زیر پا بگذارید ، و حلقه های  
 زنجیر خود بزرگ بینی را از گردن باز کنید ، و تواضع و فروتنی را سنگر میان خود و شیطان و لشکریانش قرار دهید ، زیرا  
 شیطان از هر گروهی لشکریان و یارانی سواره و پیاده دارد ( نهج البلاغه ، همان : ۲۷۳ ).

تواضع پسند و تذلل رواست خصوصاً که در محضر پادشاست

چنان کن تواضع که اهل فسوس تصور نبندند بر چاپلوس



( نزاری قهستانی ، همان : ۵۶ )

به ناز و تکبر فزونی مجوی مبر آب از اندازه بیرون ز جوی

( همان : ۹۰ )

۳ - ۹ - حزم و آینده نگری :

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ ( روم / آیه ۸ ) :

آیا در پیش نفوس خود تفکر نکردند که خدا آسمان ها و زمین و هر چه در بین آن هاست از انواع بی شمار مخلوق همه را جز به حق و به وقت و حدّ معین نیافریده است و بسیاری از مردم به شهود لقای خدای در عالم غیب و وعده ثواب و عقاب بهشت و دوزخ و قیامت ، به کلی کافر و بی عقیده اند.

حضرت علی (ع) در مورد ضرورت آینده نگری می فرماید: هر کسی را پایانی است ، تلخ یا شیرین ( نهج البلاغه ، همان : ۴۷۳ ).

تأمل کن و بر تفکر بایست کمال سخن جز به اندیشه نیست

( نزاری قهستانی ، همان : ۷۲ )

چو ننهی برون از حد حزم پای بنای محبت بماند به جای

( همان : ۸۵ )

۳ - ۱۰ - حرمت نهادن به دوست :

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ( ممتحنه / آیه ۱۳ ) :

الا این اهل ایمان هرگز قومی را که خدا بر آنان غضب کرده یار و دوستدار خود مگیرید که آن ها از عالم آخرت به کلی مأیوسند چنان که کافران از اهل قبور نومیدند.

حضرت علی (ع) می فرماید: در دوستی با دوست مدارا کن شاید روزی دشمن تو گردد و در دشمنی هم با دشمن نیز مدارا کن شاید روزی دوست تو گردد ( نهج البلاغه ، همان : ۲۶۱ ).

مکن دشمنی گر نه آهرمنی که جز دشمنی ناید از دشمنی

به جز دوستی ره به مقصد نبرد بر آن دوستی بگری که دشمن ببرد

هزار است دشمن ، و گر خود یکی است و گر دوست ، بسیار ، هم اندکی است

( نزاری قهستانی ، همان : ۸۳ )

ز من بشنو ای یار پندی نکوست نانگیز دشمن ، نگه دار دوست

( همان : ۸۹ )

۳ - ۱۱ - مروّت و رادمردی :



وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْأِيْمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِجُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ  
 وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر / آیه ۹) :

و هم آن جماعت انصار که پیش از مهاجرین مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجرین را که به سوی آن ها آمدند دوست می دارند و در دل خود هیچ حاجتی نمی یابند و هر چند به چیزی نیازمند باشند باز مهاجران را بر خویش در آن چیز مقدم می دارند و جانشان به کلی از بخل و حسد و حرص دنیا پاک است و هر کس را از خوی بخل و حرص دنیا نگاهدارند آنان به حقیقت رستگاران عالمند.

حضرت علی (ع) می فرماید: شش چیز از مردانگی است، که سه چیز آن در وطن است: تلاوت قرآن، آباد کردن مساجد و به دست آوردن دوست در راه خدا و سه آن چیز در سفر است بخشیدن زاد و توشه، حسن خلق و شوخی و مزاح در غیر معصیت خدا. و آغاز مردانگی اطاعت از خداست و پایانش پاکیزه زیستن از پستی هاست. مردانگی عدالت در فرمانروایی و گذشت با قدرت و یاری کردن در تنگدستی است (ناظم زاده، ۱۳۷۳: ۵۳۶).

به سعی تو باید که در عقد و حل عداوت شود با مروّت بدل

(نزاری قهستانی، همان: ۸۹)

۳ - ۲ - رازداری :

فَلَا تَطْعِ الْمُكَذِّبِينَ وَذُؤَا لَوْثُهُنَّ فَيَذْهَبْنَ وَ لَا تَطْعِ كُلَّ حَلْفٍ مَهِينٍ هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ (قلم / آیات ۸ - ۹) :

پس پیروی مکن تکذیب کنندگان را کافران مایلند که مدارا کنی تا آن ها به نفاق با تو مدارا کنند و اطاعت مکن منافقان  
 دون را که دایم سوگند می خورند و دایم عیبجویی و سخن چینی می کنند.

امام علی (ع) در جایی دیگر می فرماید: سینه خردمند صندوق راز اوست و خوشرویی وسیله دوست یابی و شکیبایی  
 گورستان پوشاننده عیب هاست (نهج البلاغه، همان: ۴۴۵).

سخن چین میان تو و شهریار کند فی المثل همچو کارد و خیار

کند نقل از تو دروغ و خلاف تو غافل که مارست زیر لحاف

(نزاری قهستانی، همان: ۸۲)

۳ - ۱۳ - زهد و تقوی :

وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (آل عمران / آیه ۱۳۳) :

بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمان ها و زمین را فرا گرفته، و مهیا برای  
 پرهیزگاران است.

حضرت علی (ع) می فرماید: همانا ترس از خدا، کلید در بسته و ذخیره رستخیز و عامل آزادگی از هر گونه بردگی و نجات  
 از هرگونه هلاکت است. در پرتو پرهیزگاری، تلاش گران، پیروز و پروا کنندگان، از گناه رستگار و به هر آرزویی می توان  
 رسید (نهج البلاغه، همان: ۳۳۳).

به پرهیزکاری زبان شان ببند که پرهیزگار ایمن است از گزند

(نزاری قهستانی، همان: ۸۲)

۳ - ۱۴ - سخاوت و بخشش :



قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا (اسرائیل / آیه ۱۰۰) :

ای رسول ما بگو که شما اگر دارای گنج های رحمت بی انتهای خدا شوید باز هم از ترس فقر و خوف درویشی ، بخل از انفاق خواهید کرد ؟ انسان طبعاً بسیار ممسک و بخیل است.

حضرت علی (ع) می فرماید : دست سخاوتمندی ندارد ، آن کس که از بخشش در راه خدا بخل می ورزد ( نهج البلاغه ، همان : ۱۸۵ ) .

سخاوت درختی است فرخنده بار که هر روز برمی دهد چند بار

سخا کلّ عالم مسخرّ کند دماغ دو گیتی معطرّ کند

( نزاری قهستانی ، همان : ۹۶ )

کسی را که جودِ طبیعی بود سخی تر ز ابرِ ربیعی بود

سخی نبود آن کو تکلف کند و گر در سخاوت توقف کند

( همان : ۹۷ )

۳ - ۱۵ - صبر و شکیبایی :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ( بقره / آیه ۱۵۳ ) :

ای اهل ایمان در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید . و به ذکر خدا و نماز توسّل جوئید که خدا یاور صابران است . چنان که حضرت علی (ع) می فرماید : کسی که شکیبایی او را نجات ندهد بی تابی او را هلاک گرداند ( نهج البلاغه ، همان : ۴۷۷ ) .

ستوده بود مرد آهسته کار به حلم و سکون و ثبات و قرار

( نزاری قهستانی ، همان : ۸۴ )

تو هم صبر کن حاضر وقت باش چو هنگام کِشتن نباشد میپاش

( همان : ۷۷ )

۳ - ۱۶ - صدق و راستی :

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ( مائده / آیه ۱۱۹ ) :

خدا گفت که این روزی است که صادقان از صدق راستی خود بهره مند می شوند . برای آن ها بهشت هایی است که از زیر درختانش نهرها جاریست که در آن به نعمت ابدی متنعمند خدا از آن ها خوشنود و آن ها هم از خدا خوشنودند این است پیروزی و سعادت بزرگ.

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: از دروغ دوری گزینید که از ایمان به دور است و راستگو بر کنگره راستی و بزرگواری است ، و دروغگو بر لبه پرتگاه فرو افتادن و خواری است ( نهج البلاغه ، همان : ۱۰۳ ) .

بهین پیشه ای درجهان راستی است که بی راستی عین کم کاستی است





چو در باطنش راستی جای کرد  
 نباشد به جز راستی جای مرد  
 اگر راست کرداری و راست گوی  
 ربودی به چوگان اخلاص ، گوی  
 ( نزاری قهستانی ، همان : ۵۴ )  
 به گفتار و کردار اگر راستی  
 به یک دل دو عالم بیاراستی

( همان : ۵۳ )

۳ - ۱۷ - عدل و داد :

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَاتِّبَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ( نحل / آیه ۹۰ ) :

همانا خدا خلق را فرمان به عدل و احسان می دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می کند و به شما از روی مهربانی پند می دهد ، باشد که موعظه خدا را بپذیرید.

حضرت علی (ع) می فرماید : عدل ، همان انصاف ، و انصاف همان بخشش است ( نهج البلاغه ، همان : ۴۸۳ ).

قضا حق هر کس به انصاف داد  
 نکه دار اگر خواهی انصاف و داد  
 ( نزاری قهستانی ، همان : ۶۷ )

تجاوز مکن در حدود ای پسر  
 چنان تاز کاندر نافتی به سر  
 ( همان : ۷۷ )

۳ - ۱۸ - قناعت و خرسندی :

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ( حِجْر / آیه ۸۸ ) :

تو از این ناقابل متاع دنیوی که به طایفه ای از مردم کافر برای امتحان دادیم البته چشم بیوش و بر اینان اندوه مخور و اهل ایمان را زیر پر و بال خود گیر و با کمال حسن خلق بپروران.

حضرت علی (ع) می فرماید : قناعت ، ثروتی است پایان ناپذیر ( نهج البلاغه ، همان : ۴۵۳ ).

جهان را به ملک قناعت بده  
 که یک جزوش از هفت اقلیم به  
 ( نزاری قهستانی ، همان : ۹۳ )

نزاری چو کردی به رغبت نخست  
 به مُلک قناعت عزیمت درست  
 ( همان : ۵۲ )

۳ - ۱۹ - رایزنی با دانایان :

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ( شوری / آیه ۳۸ ) :

و آنان که امر خدا را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می دهند و از آنچه روزی آن ها کردیم به فقیران انفاق می کنند.

حضرت علی (ع) می فرماید: هر کس خود رأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد ، در عقل های آنان شریک شد . آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند ، صحیح را از خطا خوب شناسد ( نهج البلاغه ، همان : ۴۷۵ ).



نباشد معاون جز از رای راست  
 بد و نیک در مشورت رای راست  
 و گر جز به دانا بری مشورت  
 نگیرد خردمند دانشورت  
 (نزاری قهستانی، همان: ۷۵)  
 ز دانا سخن بشنو و هوش دار  
 ولیکن ز دیوانه کن اعتبار  
 (همان: ۲۳)

۳ - ۲۰ - نبوت و نعت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع):

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه / آیه ۲):

اوست خدایی که میان عرب امی پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا تلاوت کند و آن‌ها را پاک سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد با آنکه پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: ما تکیه گاه میانه ایم، عقب ماندگان به ما می‌رسند و پیش تاختگان به ما باز می‌گردند (نهج البلاغه، همان: ۴۶۳).

گرت راه باید به اهل صفا  
 طلب کن ز ذریه مصطفی  
 به حبل المتین در زن ای دوست دست  
 که کس جز بدین از ضلالت نرست  
 (نزاری قهستانی، همان: ۲۰)  
 الا ای برادر به سمع قبول  
 باید شنیدن حدیث از رسول  
 (همان: ۲۶)

۳ - ۲۱ - نیک نامی، نیکوکاری، اخلاق نیک:

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (الرحمن / آیه ۶۰):

آیا پاداش نکویی و احسان، جز آن نکویی و احسان است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: ناسپاسی مردم تو را از نکوکاری باز ندارد زیرا هستند کسانی بی آنکه از تو سودی برند تو را می‌ستایند. چه بسا ستایش اندک آنان برای تو سودمندتر از ناسپاسی ناسپاسان باشد (نهج البلاغه، همان: ۴۷۹).

شود از تو در سینه ها کینه ها  
 میازار از خویشان سینه ها  
 بجد باش در باب شایستگی  
 به رفیق و مدارا و آهستگی  
 مکن هزل پیوسته با مردمان  
 که کلی شوند از تو دل‌ها رمان  
 (نزاری قهستانی، همان: ۴۷)

به دست آر دل، طاعت این است و بس  
 دل اهل دل اصل دین است و بس



( همان : ۸۲ )

۳ - ۲۲ - وفاداری به عهد و پیمان :

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ( آل عمران / آیه ۷۶ ) :

آری هر کس به عهد خود وفا کند و خدا ترس و پرهیزگار شود خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.

حضرت علی (ع) می فرماید: ای مردم وفا همراه راستی است ، که سپری محکم تر و نگهدارنده تر از آن سراغ ندارم . آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه شد خیانت و نیرنگ ندارد ( نهج البلاغه ، همان : ۶۵ ) .

|                               |                              |
|-------------------------------|------------------------------|
| سه نوع است در باغ دانش وفا    | که آن هر سه باشد در اهل صفا  |
| یکی آنکه در وعده و در ضمان    | نباید خلاف از تو در هر زمان  |
| دویم چون ملک شد به تو نیک بین | بکوشی که آن ظن بباشد یقین    |
| سدیگر حق نعمت پادشاه          | به هر وقت و هر حال داری نگاه |

( نزاری قهستانی ، همان : ۵۵ )

زبانی که با حق گرو کرد مرد وفا بایش کام وناکام کرد

( همان : ۱۱۴ )

۳ - ۲۳ - پرهیز از اسراف :

وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبْذَرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ( بنی اسرائیل / آیات ۲۶-۲۷ ) :

ای رسول ما ، تو خود و امتت حقوق خویشاوندان را ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز اسراف روا مدار مبدّران و مسرفان برادر شیطانند و شیطان است که سخت کفران نعمت پروردگار خود کرد.

حضرت علی (ع) می فرماید: ای زیاد! از اسراف بپرهیز، و میانه روی را برگزین ، از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت پیش فرست ( نهج البلاغه ، همان : ۳۵۷ ) .

تهی دست گردد ز اسراف مرد میانجی سخاوت به انصاف کرد

( نزاری قهستانی ، همان : ۹۶ )

۳ - ۲۴ - پرهیز از بخل و تنگ نظری :

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا ( بنی اسرائیل / آیه ۱۰۰ ) :

ای رسول ما بگو که شما اگر دارای گنج های رحمت بی انتهای خدا شوید باز هم از ترس فقر و خوف و درویشی، بخل از انفاق خواهید کرد ؟ که انسان ذاتاً بسیار ممسک و بخیل است.

حضرت علی (ع) می فرماید: بخل ورزیدن کانون تمام عیب ها و مهاربست که انسان را به سوی هر بدی می کشاند( نهج البلاغه ، همان : ۵۱۷ ) .

خسیسانه در کارها بس مپیچ که نامت برآید ولیکن به هیچ

( نزاری قهستانی ، همان : ۴۲ )



۳ - ۲۵ - دوری گزیدن از تکبر و خودپسندی :

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ( بقره / آیه ۳۴ ) :

و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنید همه سجده کردند مگر شیطان ، که ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران گردید.

حضرت علی (ع) می فرماید: فرزند آدم را با فخر فروشی چه کار؟ او که در آغاز نطفه ای گنبدیده ، و در پایان مرداری بدبوست ، نه می تواند روزی خویشان را فراهم کند و نه مرگ را از خود دور کند( نهج البلاغه ، همان : ۵۲۹ ) .

مشو غَرَّهَ گر خدمتی کرده ای و گر در تنعم جهان خورده ای

( نزاری قهستانی ، همان : ۸۹ )

۳ - ۲۶ - ستیزه کردن با خشم :

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران / آیه ۱۳۴):

آنهایی که از مال خود به فقرا در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند و خشم و غضب فروشانند و از بدی مردم در گذرنده چنان مردمی نیکوکارند و خدا دوستدار نیکوکاران است.

حضرت علی (ع) در مورد ضرورت پرهیز از خشم و انتقام می فرماید : چون خشم گیرم ، کی آن را فروشانم ؟ در آن زمان که قدرت انتقام ندارم ، که به من بگویند : اگر صبر کنی بهتر است . یا آنگاه که قدرت انتقام دارم ؟ که به من بگویند : اگر عفو کنی خوب است ( نهج البلاغه ، همان : ۴۷۹ ) .

چو نقصان جسم است و جان است خشم چو آتش فروزنده زانست خشم

بلی خشمگین حرمت خویش بُرد خصوصاً که نتواند از پیش برد

( نزاری قهستانی ، ۱۳۹۲ : ۷۰ )

۳ - ۲۷ - پرهیز از دروغ :

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ ( نحل / آیه ۱۰۵ ) :

دروغ را آن کس به خدا می بندد که ایمان به آیات خدا نیابد و این کافران البته خود مردمی بی ایمان و دروغگویند.  
 حضرت علی (ع) می فرماید : از دوستی با دروغگو پرهیز ، که او به سراب ماند ، دور را به تو نزدیک و نزدیک را دور می نمایاند( نهج البلاغه ، همان : ۴۵۱ ) .

دروغ آردت در محلی فرود که از هم فرو ریزدت تار و پود

( نزاری قهستانی ، همان : ۹۹ )

که هزل ار بود راستی در سخن به است از دروغی که باشد حسن

( همان : ۵۴ )

۳ - ۲۸ - بر کنار بودن از ربا و دورویی :

وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَ رِئَاءَ النَّاسِ وَ يُصْذُونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ( انفال / آیه ۴۷ ) :



و شما مؤمنان مانند منافقان نباشید که آن‌ها نه برای جهاد در راه خدا بلکه یا برای هوس و غرور و یا برای تظاهر خارج شدند و از راه خدا خلق را منع می‌کنند و بترسند که علم خدا به هر چه کنند محیط است.

و حضرت علی (ع) می‌فرماید: خدایا به تو پناه می‌برم که ظاهر من در برابر دیده‌ها نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می‌دارم، زشت باشد و بخواهم با اعمال و رفتاری که تو از آن آگاهی توجه مردم را به خود جلب نمایم و چهره ظاهرم را زیبا نشان داده، با اعمال نادرستی که درونم را زشت کرده به سوی تو آیم تا به بندگان نزدیک و از خشنودی تو دور گردم ( نهج البلاغه، همان: ۴۹۸ - ۴۹۹ ).

به رُوی و ریا کئی سخاوت بُود      سخاوت نباشد شقاوت بُود  
 ( نزاری قهستانی، همان: ۹۷ )

ولیکن ز تزویر و بهتان بترس      ز بوجهل غمّاز فتنان بترس  
 ( همان: ۸۲ )

۳ - ۲۹ - پرهیز از غیبت و بدگویی از دیگران :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ( حجرات / آیه ۱۲ ) :

ای اهل ایمان از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز از حال درونی هم تجسس نکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید آیا شما دوست می‌دارید گوشت برادر مرده خود را خورید البته کراهت و نفرت از آن دارید و از خدا بترسید و توبه کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: کسانی که گناه ندارند و از سلامت دین برخوردارند، رواست که به گناهکاران ترحم کنند و شکر این نعمت گزارند، که شکرگزاری آنان را از عیب جویی دیگران باز دارد، چرا و چگونه آن عیب‌جو، عیب‌برادر خویش گوید و او را به بلایی که گرفتار است سرزنش می‌کند؟ ( نهج البلاغه، همان: ۱۸۳ ).

بد کس مخواه و بد کس مگوی      هم آسوده دل باش و هم تازه روی  
 ( نزاری قهستانی، همان: ۶۷ )

ز بیگانه و آشنا پیش شاه      ز کس بد مگو و به خود بد مخواه  
 ( همان: ۸۴ )

۳ - ۳۰ - پرهیز از نفس پرستی :

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ( جائیه / آیه ۲۳ ) :

ای رسول ما، می‌نگری آن‌را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او دانسته گمراه ساخته و مهر بر گوش و دل او نهاده و بر چشم وی پرده ظلمت کشیده. پس او را بعد از خدا دیگر که هدایتش خواهد کرد؟ آیا متذکر این معنی نمی‌شوید. حضرت علی (ع) می‌فرماید: هر کس عاشق چیزی می‌شود دیدگانش را کور گردانده و قلبش را رنجور، پس با چشم بیمار می‌نگرد و با گوشی که از شنیدن حقیقت ناشنواست می‌شنود. خواهش‌های نفسانی پرده‌های عقلش را دریده و دوستی دنیا دلش را میرانده است ( نهج البلاغه، همان: ۱۰۴ ).



از آن نقش لوح ضمیرت بشوی  
مشو پس رو نفس بیهوده گوی  
( نزاری قهستانی ، همان : ۴۶ )

هر آنکس که آسایش نفس خواست  
به راحت در افزود و از رنج کاست  
اگر بنده بینی گر آزاد را  
همین است طبع آدمیزاد را  
ایا قابل حضرت پادشاه  
به رنج اندر افزای و راحت بگاه  
( همان : ۳۲ )

۴ - نتیجه گیری :

پس از بررسی برخی اشتراکات آموزه های اخلاقی در امتهات کتب دینی و ادب نامه نزاری قهستانی به این نتیجه رسیدیم که او مانند بسیاری دیگر از سخنوران اقلیم زبان و ادب پارسی بشدت متعهد و اخلاق گرا به شمار می آمده و تعالی اخلاقی و انسانی مخاطبان، سرلوحه کار وی در سرایش ادب نامه بوده است. اگر تحقیق و پژوهش گسترده تری در این خصوص انجام پذیرد رد پای بسیاری تعالیم اخلاقی شرع مقدس را که نزاری از آن متأثر بوده می توان در ادب نامه بازجست و با توجه به سلاست و روانی بسیاری از ابیات این منظومه، امکان بهره وری از آن در متون اخلاقی دوران معاصر و نیز کتب درسی مدارس وجود دارد. پی نوشت ها :

۱ - در تذکره مجالس النفاثس نیز نظیر این سخن جامی را می توان دید آنجا که می نویسد: « سلیقه شعر او (حافظ) مثل سلیقه شعر نزاری قهستانی است » ( نوایی ، ۱۳۶۳ : ۳۵۵ )؛ البته مؤلف بعد از این اظهار نظر تأکید نموده که غث و سیمین ها و ناهمواری های شعر حافظ کمتر از شعر نزاری است.

۲ - در تذکره الشعراء نیز در خصوص این وجه تخلص نزاری مطالبی آمده است ( نک . سمرقندی ، ۱۳۸۲ : ۲۳۳ - ۲۳۴ ) که به نظر می رسد فرزانه فقید ادوارد براون نیز در نگارش این بخش از تاریخ ادبی ایران متأثر از اقوال دولتشاه بوده است. فهرست منابع و مأخذ :

۱ - قرآن کریم ( ۱۳۸۵ ) ، ترجمه مرحوم الهی قمشه ای ، تهران : انتشارات فرهنگ .  
۲ - نهج البلاغه ( ۱۳۸۹ ) ، ترجمه محمد دشتی ، قم : انتشارات اندیشه هادی .  
۳ - براون ، ادوارد ( ۱۳۳۹ ) ، تاریخ ادبیات ایران ، از سعدی تا جامی ، ج ۳ ، ترجمه علی اصغر حکمت ، تهران : انتشارات مروارید .

۴ - رزمجو ، حسین ( ۱۳۶۶ ) ، شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی ، مشهد : انتشارات آستان قدس رضوی .  
۵ - سمرقندی ، دولتشاه بن بختیشاه ( ۱۳۸۲ ) ، تذکره الشعراء ، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون ، تهران : انتشارات اساطیر.

۶ - صفا ، ذبیح الله ( ۱۳۶۸ ) ، تاریخ ادبیات در ایران ، تهران : انتشارات فردوس .  
۷ - ناظم زاده قمی ، سید اصغر ( ۱۳۷۳ ) ، جلوه های حکمت گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین علی (ع) ، قم : انتشارات دفتر نشر الهادی .



۸ - نزاری قهستانی ، سعدالدین بن شمس الدین ( ۱۳۹۲ ) ، ادب نامه ، به تصحیح دکتر محمود رفیعی ، تهران : انتشارات

هیرمند .

۹ - نوایی ، امیر علیشیر ( ۱۳۶۳ ) ، تذکره مجالس النفائس ، به اهتمام علی اصغر حکمت ، تهران : انتشارات منوچهری .